غزه زیر آب؛ ادامه جنایت در سایه سکوت و همدستی قدرت‌های جهانی

تصاویر تازه غزه تحمل‌ناپذیرند. کودکانی که در میان آب و گل ایستاده‌اند، مادرانی و پدرانی که با دست‌های خالی می‌کوشند آب را از چادرهای فرسوده بیرون بریزند، خانواده‌هایی که آخرین پتوها و تشک‌هایشان زیر باران خیس شده و دیگر حتی جایی خشک برای خوابیدن ندارند. مردم تحت ستم و اشغالگری که خانه‌هایشان زیر بمباران ویران شده، و جان سالم به‌در برده‌اند، اکنون در چادرهایی زندگی می‌کنند که با نخستین بارندگی شدید به حوضچه‌های آب و فاضلاب تبدیل می‌شوند. کودکی که باید در آغوش مادرش احساس امنیت کند، شب را با لباس خیس، در سرمای پاییزی و در انتظار طلوع آفتابی می‌گذراند که شاید بتواند اندکی از رطوبت چادرشان بکاهد.

دیدن این تصاویر برای هر فردی که هنوز حساسیت خود را نسبت به رنج دیگران از دست نداده، تکان‌دهنده است. شرم‌آور است که در جهان امروز، با این حجم از ثروت، فناوری، امکانات مهندسی و توانایی تولید، میلیون‌ها انسان از ابتدایی‌ترین شرایط زندگی محروم مانده‌اند. شرم‌آورتر آنکه این محرومیت در برابر چشم جهانی اتفاق می‌افتد که هر روز درباره حقوق بشر، کرامت انسانی و ارزش جان انسان سخن می‌گویند و گوش فلک را کر کرده‌اند.

باران روزهای اخیر غزه یک فاجعه طبیعی را به بحرانی انسانی تبدیل کرده است که مقدمات آن طی سال‌ها اشغالگری،جنگ، محاصره، تخریب زیرساخت‌ها و نسل‌کشی و آوارگی گسترده شکل گرفته بود. باران بر سرزمین ویران‌شده‌ای می‌بارد که مردمش ابتدای‌ترین امکانات حفاظت از خود را از دست داده‌اند.

بر اساس گزارش دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد در ۹ نوامبر، حدود یک میلیون و چهارصد هزار نفر، معادل ۶۵ درصد جمعیت غزه، در چادرها و سرپناه‌های موقت زندگی می‌کنند. بارندگی‌های ششم تا هشتم نوامبر به هزاران سرپناه آسیب زده و بیش از ۲۶ هزار خانوار درخواست کمک ثبت کرده‌اند. گزارش‌های اولیه از نابودی بیش از شش هزار سرپناه خانوادگی و آسیب به ۱۷

هزار و چهارصد سرپناه دیگر حکایت دارند.

این اعداد تنها ابعاد مادی فاجعه را نشان می‌دهند. پشت هر چادر و هر خانوار، زندگی انسان‌هایی قرار دارد که طی سال‌های گذشته بارها آواره شده‌اند، عزیزانشان را از دست داده‌اند و اکنون برای حفظ ابتدایی‌ترین وسایل زندگی خود با آب و گل دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

کودکی که حتی حق داشتن یک جای خشک برای خوابیدن ندارد



یکی از دردناک‌ترین جنبه‌های فاجعه غزه، وضعیت کودکان است. نسلی که بخش بزرگی از زندگی کوتاه خود را در محاصره، بمباران، گرسنگی، آوارگی و ترس گذرانده، اکنون با سرمای زمستان و خطر بیماری‌های ناشی از رطوبت و آلودگی نیز روبه‌روست.

سازمان «نجات کودکان» در هشتم نوامبر هشدار داد که بیش از نیم میلیون کودک در غزه چهارمین زمستان خود را در چادرهای پاره یا سرپناه‌های موقت سپری می‌کنند. برخی خانواده‌ها برای گرم نگه داشتن فرزندانشان ناچار به سوزاندن زباله شده‌اند؛ اقدامی که خود سلامت کودکان را در معرض خطر قرار می‌دهد.

کودکی را تصور کنید که تمام دارایی‌اش چند تکه لباس، پتویی کهنه و اسباب‌بازی کوچکی است که از ویرانه‌های خانه نجات یافته است. وقتی آب وارد چادر می‌شود، حتی همین دارایی‌های ناچیز هم در معرض نابودی قرار می‌گیرند. برای چنین کودکی، باران دیگر نشانه طراوت و زندگی نیست. صدای برخورد قطره‌ها با سقف پلاستیکی چادر می‌تواند آغاز شبی پر از اضطراب باشد.

گزارش سازمان ملل از غرق شدن یک نوزاد در جریان سیلاب اخیر خبر می‌دهد. همچنین ریزش تپه‌ای شنی بر سر چادرهای آوارگان در غرب دیرالبلح به کشته شدن چند نفر، از جمله زنان و کودکان، انجامیده است.

مرگ یک کودک در آب‌گرفتگی چادر، در جهانی که می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان سازه‌های مقاوم، سامانه‌های تخلیه آب و تجهیزات امدادی فراهم کند، پرسشی جدی درباره مسئولیت انسانی و سیاسی دولت‌ها مطرح می‌کند. چه شرایطی ایجاد شده که خانواده‌ای پس از جان سالم به در بردن از بمباران، باید نگران غرق شدن فرزندش در محل اسکان موقت خود باشد؟

کودکان غزه علاوه بر خطرهای فوری، با پیامدهای بلندمدت این وضعیت نیز روبه‌رو هستند. سوءتغذیه، اختلال در آموزش، فقدان امنیت روانی و زندگی طولانی در محیط‌های غیربهداشتی، آینده نسلی را تهدید می‌کند که حتی امکان تجربه یک کودکی معمولی را نداشته است.



زنان غزه؛ بار سنگین زندگی در میان ویرانه‌ها

در تصاویر منتشرشده، زنان اغلب در حال نجات کودکان، جمع کردن لباس‌های خیس، جابه‌جایی وسایل و تلاش برای حفظ چادرهایشان دیده می‌شوند. این تصاویر تنها بخشی از کار طاقت‌فرسایی را نشان می‌دهند که در شرایط آوارگی بر دوش زنان قرار گرفته است.

در جامعه‌ای که خانه، بیمارستان، مدرسه، شبکه آب‌رسانی و امکانات بهداشتی آن توسط سازه‌ی فاشیستی اسرائیل و حامیان بین‌المللی‌اش ویران شده، بخش بزرگی از مسئولیت مراقبت از کودکان، سالمندان، بیماران و اعضای خانواده در فضای خانوادگی بر عهده زنان قرار می‌گیرد. کاری که حتی در شرایط عادی نیز سهم بزرگی از آن بدون مزد و بدون به‌رسمیت‌شناختن اجتماعی انجام می‌شود، اکنون در غزه به مبارزه‌ای روزانه برای زنده ماندن تبدیل شده است.

مادری که خود دچار سوءتغذیه و فرسودگی جسمی است، باید برای کودک بیمار خود آب سالم، غذا و لباس خشک پیدا کند. زن بارداری که در چادر آب‌گرفته زندگی می‌کند، با خطر عفونت، نبود خدمات درمانی و دشواری دسترسی به مراقبت‌های ضروری روبه‌روست. زنان و دختران همچنین برای استفاده از سرویس‌های بهداشتی، تعویض لباس، رعایت بهداشت قاعدگی و حفظ حریم خصوصی با مشکلاتی مواجه‌اند که در بسیاری از گزارش‌های عمومی کمتر دیده می‌شوند.

گزارش تازه سازمان ملل نشان می‌دهد که سیلاب اخیر هفت مرکز ارائه خدمات مرتبط با خشونت مبتنی بر جنسیت را تخریب کرده و فعالیت برخی مراکز درمانی و خدمات سلامت جنسی و باروری را مختل ساخته است.

در چنین شرایطی، صحبت از کرامت انسانی بدون توجه به نیازهای مشخص زنان، مفهومی تهی خواهد بود. زنی که برای تعویض لباس یا رسیدگی به بهداشت شخصی خود فضایی امن و خصوصی ندارد، با محرومیتی مواجه است که در کنار گرسنگی و بی‌سرپناهی، استقلال فردی و سلامت او را نیز تهدید می‌کند.

با وجود این، زنان غزه در تصاویر منتشرشده تنها قربانیان منفعل فاجعه نیستند. آنان در سازمان دادن زندگی روزمره، مراقبت از کودکان، کمک به خانواده‌های دیگر و حفظ پیوندهای اجتماعی نقشی تعیین‌کننده دارند. اما نباید این مقاومت روزمره را به روایتی رمانتیک از «تاب‌آوری» تبدیل کرد. هیچ مادری نباید مجبور باشد هر روز برای زنده نگه داشتن فرزندش با مجموعه‌ای از خطرهای قابل پیشگیری بجنگد.

غزه زیر آب؛ ادامه جنایت در سایه سکوت و همدستی قدرت‌های جهانی

آنچه امروز در غزه جریان دارد، ادامه فاجعه‌ای است که ماشین جنگی اسرائیل با بمباران گسترده مناطق مسکونی، ویران کردن زیرساخت‌های حیاتی، محاصره و آوارگی اجباری مردم فلسطین به وجود آورده است. باران و سیلاب، ابعاد تازه‌ای از این فاجعه را آشکار کرده‌اند. صدها هزار خانواده‌ای که خانه‌هایشان در حملات ارتش اسرائیل ویران شده، اکنون در چادرهای فرسوده و اردوگاه‌های فاقد ابتدایی‌ترین امکانات بهداشتی زندگی می‌کنند. شبکه‌های آب‌رسانی و فاضلاب نابود یا به‌شدت آسیب دیده‌اند، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی از ظرفیت لازم برای رسیدگی به بیماران محروم‌اند و ورود تجهیزات ضروری برای بازسازی و اسکان آوارگان همچنان با محدودیت‌های اسرائیل مواجه است. مردمی که از بمباران جان سالم به در برده‌اند، اکنون در معرض سرما، بیماری، گرسنگی و خطر مرگ در سیلاب قرار گرفته‌اند.

بر اساس گزارش نهم نوامبر سازمان ملل متحد، بیش از ۱۵۰ هزار چادر و صدها هزار پوشش ضدآب و پتو در خارج از غزه آماده ارسال بوده‌اند، در حالی که ذخایر موجود در داخل این منطقه تقریباً به پایان رسیده است. سازمان ملل محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی اسرائیل بر ورود اقلام ضروری را از عوامل اصلی ناتوانی نهادهای امدادی در آماده‌سازی سرپناه‌ها برای فصل بارندگی اعلام کرده است.

این وضعیت نتیجه مستقیم سیاست‌هایی است که زندگی غیرنظامیان فلسطینی را به محاصره،

محدودیت‌های نظامی و تصمیمات رژیم نسل‌کش اسرائیل و حامیانش وابسته کرده‌اند. وقتی صدها هزار وسیله ضروری برای حفاظت از کودکان و خانواده‌های آواره در پشت مرزها باقی می‌ماند، نمی‌توان مرگ کودکان بر اثر سرما و سیلاب را صرفاً پیامد شرایط نامساعد جوی دانست. مسئولیت سیاسی و حقوقی این وضعیت متوجه کسانی است که با تخریب خانه‌ها، استمرار محاصره و محدود کردن امدادرسانی، مردم را از امکانات اولیه حفاظت از جان خود محروم کرده‌اند.

اسرائیل در تمام این سال‌ها از حمایت نظامی، مالی و سیاسی ایالات متحده برخوردار بوده است. دولت‌های اروپایی نیز، با وجود تفاوت در مواضع رسمی و میزان حمایت از اسرائیل، در برابر تداوم تخریب و محرومیت مردم غزه نتوانسته‌اند اقدامات مؤثری برای تضمین حفاظت از غیرنظامیان و دسترسی پایدار آنان به نیازهای اساسی زندگی به اجرا بگذارند. محکومیت‌های لفظی، ابراز نگرانی‌های دیپلماتیک و ارسال محدود کمک‌های بشردوستانه، مسئولیت دولت‌هایی را که همچنان مناسبات تسلیحاتی و سیاسی خود را با اسرائیل حفظ کرده‌اند، از میان نمی‌برد.

آنچه این وضعیت را به‌ویژه تکان‌دهنده می‌کند، آشکار بودن ابعاد فاجعه است. تصاویر کودکان گرسنه، اجساد بیرون‌کشیده‌شده از زیر آوار، صف‌های طولانی دریافت غذا، بیمارستان‌های ویران و اکنون چادرهای غرق‌شده در آب، بارها در برابر افکار عمومی جهان قرار گرفته‌اند.

این فاجعه همچنین ماهیت گزینشی سیاست حقوق بشری قدرت‌های بزرگ را آشکار می‌کند. دولت‌هایی که برای دفاع از امنیت و حقوق انسان‌ها در دیگر نقاط جهان به تحریم، فشار اقتصادی و حتی مداخله نظامی متوسل می‌شوند، در برابر محرومیت گسترده مردم فلسطین از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی، همچنان ملاحظات راهبردی و مناسبات سیاسی خود با اسرائیل را در اولویت قرار می‌دهند.

غزه؛ مسئولیت جنایت و ضرورت پایان دادن به مصونیت از مجازات



مردم غزه امروز به کمک فوری نیاز دارند، اما محدود کردن مسئله فلسطین به ارسال چادر، پتو و بسته‌های غذایی، چشم پوشیدن از مناسباتی است که این فاجعه را به وجود آورده‌اند. مردمی که خانه و سرزمینشان ویران شده، حق دارند در امنیت زندگی کنند، به خانه‌های خود بازگردند و درباره آینده سیاسی و اجتماعی خویش تصمیم بگیرند. بازسازی غزه بدون پایان دادن به اشغالگری و محاصره، تضمین آزادی رفت‌وآمد، تأمین امکان بازگشت آوارگان و به‌رسمیت‌شناختن حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین، نمی‌تواند پاسخی پایدار به این بحران باشد.

مسئولیت جنایات ارتکابی علیه غیرنظامیان نیز نباید در میان مذاکرات دیپلماتیک و طرح‌های بازسازی به فراموشی سپرده شود.

در این میان، مسئولیت سیاسی دولت‌هایی که با ارسال تسلیحات و حمایت دیپلماتیک به تداوم عملیات نظامی اسرائیل کمک کرده‌اند نیز باید در مقابل افکار عمومی مورد پرسش قرار گیرند.

اما مسئله تنها به دولت‌ها محدود نمی‌شود. جنبش‌های کارگری، تشکل‌های دانشجویی، سازمان‌های مدافع حقوق بشر، جنبش‌های زنان و نیروهای مترقی در کشورهای مختلف طی سال‌های گذشته علیه جنگ و کشتار مردم فلسطین اعتراض کرده‌اند. گسترش همبستگی سازمان‌یافته با مردم فلسطین و

مطالبه پاسخ‌گویی از دولت‌ها می‌تواند در جلوگیری از عادی شدن این وضعیت نقش مؤثری داشته باشد. تجربه اعتراضات ضدجنگ نشان داده است که فشار اجتماعی، به‌ویژه هنگامی که به اقدام جمعی و سازمان‌یافته پیوند می‌خورد، قادر است سیاست‌های رسمی را به چالش بکشد.

شرم یک جهان در برابر کودکان بی‌سرپناه غزه

تصاویر این روزهای غزه، تصاویری از زندگی انسان‌هایی است که ابتدایی‌ترین حقوقشان زیر آوار جنگ و محاصره دفن شده است.

این تصاویر باید مایه شرمساری جهانی باشد که منابع عظیم اقتصادی و پیشرفته‌ترین فناوری‌های خود را در اختیار دارد، اما همچنان شاهد محرومیت کودکان غزه از یک سرپناه خشک و امن است. جهانی که برای گسترش جنگ‌افزارها و تأمین منافع راهبردی دولت‌ها منابع هنگفت اختصاص می‌دهد، در برابر نیازهای فوری خانواده‌های فلسطینی با محدودیت‌های سیاسی و کمبود امکانات امدادی مواجه است!.

آنچه بر مردم غزه می‌گذرد، همچنین نشان می‌دهد که نسل‌کشی با توقف یا کاهش بمباران پایان نمی‌یابد. ویرانی خانه‌ها، نابودی شبکه‌های بهداشتی، محرومیت از درمان، سوءتغذیه و آوارگی طولانی‌مدت، زندگی انسان‌ها را برای سال‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند.

کودکان غزه امروز در میان آب و گل به خواب می‌روند، در حالی که دولت‌های قدرتمند جهان همچنان بر سر ترتیبات امنیتی، منافع منطقه‌ای و آینده سیاسی این سرزمین مذاکره می‌کنند. این فاصله میان رنج واقعی انسان‌ها و محاسبات قدرت، عریان‌ترین جلوه‌های بی‌عدالتی در جهان معاصر سرمایه‌داری است.

تاریخ این فاجعه را تنها با شمار کشته‌شدگان و میزان ویرانی ثبت نخواهد کرد. نقش دولت‌هایی که تسلیحات فراهم کردند، مقاماتی که محاصره و محدودیت‌ها را ادامه دادند، نهادهایی که از اجرای

تعهدات خود بازماندند و نیروهای اجتماعی که منفعلانه شاهد این جنایات بودند، نیز بخشی از این تاریخ خواهد بود.

تحریریه سایت فدایی

دوشنبه ۱۸ آبان